

تورم^۴ اینفلِیشن (از نظر علم اقتصاد اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی یا قیمت است. تورم عموماً به معنی افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می‌شود. تورم، روند فزاینده و نامنظم افزایش قیمت‌ها در اقتصاد است. هر چند بر پایه نظریه‌های گوناگون، تعریف‌های متفاوتی از تورم ارائه می‌شود، اما، تمامی آن‌ها به روند فزاینده و نامنظم افزایش در قیمت‌ها اشاره دارند. مفهوم امروزی تورم، در سده نوزدهم میلادی رواج یافت. پیش از آن، مفهوم دیگری از تورم وجود داشت که جهت نشان دادن افزایش حجم اسکناس‌های غیرقابل تبدیل به طلا به کار برده می‌شد.

نرخ تورم برابر است با تغییر در یک شاخص قیمت که معمولاً شاخص قیمت مصرف‌کننده است.

انواع تورم:

تورم مطلق و شبه تورم

کینز تلاش می‌کرد که میان «شبه تورم» و «تورم مطلق» یا واقعی تفاوت قائل شود. نوع اول، وقتی پدید می‌آید که در یک جریان بهبود دوره‌ای، افزایش در تقاضاهای پولی برای کالا تا حدی به صورت هزینه‌ها، منجر به افزایش اشتغال و بازده واقعی کالاها شود و تا اندازه‌ای نیز بها و هزینه تولید یک واحد از کالا را بالا برد. نوع بعدی هنگامی پدید می‌آید که «افزایش در مقدار تقاضای مؤثر، موجب افزایش بازده نشده و تماماً خود را در افزایش هزینه هر واحد تولید منعکس می‌سازد که کاملاً متناسب با افزایش در تقاضای مؤثر است.

تورم حاد

اغلب تعیین درجه یا میزان تورم مفید واقع می‌شود. بدین ترتیب «تورم حاد» (برخی اوقات تورم مهارناپذیر) واژه‌ای است که دربارهٔ تجاری چون تجربهٔ آلمان در سال‌های ۱۹۱۹-۲۳ بکار می‌رود. می‌توان تورم حاد را وضعیتی تعریف کرد که در آن افزایش مدام قیمت‌ها انتظار افزایش باز هم بیشتر را پیش می‌آورد به نحوی که جوش و خروش برای کالاها وضعیتی را پدید می‌آورد که پایان آن سقوط کامل پول است، در حالت تورم حاد سرعت گردش پول نقش مهمی ایفا می‌کند و به آن چنان سطحی ارتقا می‌یابد که واحد پول نخست نقش خود را به صورت ذخیره‌ساز ارزش و بالاخره ضابطهٔ تعیین

^۴ Inflation

ارزش و واسطه مبادله از دست می‌دهد. «تورم خزنده» از سوی دیگر، افزایش تدریجی اما دائمی هزینه‌ها و قیمت‌ها را می‌نماید که کم و بیش به وسیلهٔ سیاست‌های پولی و مالی با آن برخورد می‌شود.

تورم آشکار و نهان

تجربه کنترل‌های فوری که معمولاً در زمان جنگ و نیز بلافاصله بعد از آن اعمال می‌شوند، منجر به ایجاد تمایز بین «تورم نهان» و «تورم آشکار» شده‌است. بدین ترتیب «مشخصهٔ وضعیت تورم نهان این است که قیمت‌ها و احتمالاً نیز حقوق‌ها از طریق اعمال کنترل‌های مستقیم ثبت می‌شوند، حال آن که در وضعیت تورم آشکار چنین کنترل‌هایی اعمال نمی‌شود.

ریشه‌های تورم

دیدگاه کینز دو دلیل عمده برای تورم ذکر می‌کند: کاهش عرضه کل یا افزایش تقاضای کل. دیدگاه پول‌گرایان [۴] رشد عرضه پول مازاد بر رشد اقتصادی را عمده‌ترین دلیل تورم می‌داند. به عبارت دیگر، تورم، تناسب نداشتن حجم پول در گردش، با عرضهٔ خدمات و کالاهاست. تقریباً تمام اقتصاددانان بر این نکته توافق دارند که تورم پایدار و درازمدت، ریشه‌ای جز عرضهٔ پول و افزایش نقدینگی ندارد. هر چه میزان تورم بیش‌تر شود، قدرت خرید یک واحد پول کم‌تر می‌گردد.

یکی از ریشه‌های تورم نبود تعادل میان درآمدها و هزینه‌های دولت است. به این ترتیب که وقتی هزینه‌های دولت از درآمدهای آن در بودجه سالانه بیش‌تر باشد، دولت با کسری بودجه مواجه می‌شود. اگر دولت برای حل مشکل کسری بودجه اقدام به استقراض از بانک مرکزی یا فروش درآمدهای ارزی (مثلاً حاصل از فروش نفت) به بانک مرکزی کند، پایه پولی و به دنبال آن نقدینگی کل در اقتصاد افزایش می‌یابد که این افزایش نقدینگی آثار تورمی به دنبال خواهد داشت.

نگاهی به شاخص‌های رسمی اقتصاد نشان می‌دهد که طی دوره ۱۳۹۱-۱۳۸۴، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی ایران ۱۳/۶ برابر و بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی ۲/۶ برابر گردیده که این امر در اثر عدم توازن مالی دولت و عدم کفایت منابع خزانه رخ داده است. نتیجه چنین رویکردی ۴/۴ برابر شدن پایه پولی و ۵/۰ برابر شدن نقدینگی در کشور بوده که ضمن تغذیه تورم ۴۰ درصدی و ایجاد بی‌ثباتی، باعث ایجاد رشد منفی سرمایه‌گذاری شده‌است. ۵ [پیامدهای تورم]

تورم از جمله پدیده‌هایی است که می‌تواند آثار و تبعاتی مثبت و منفی به دنبال داشته باشد و مهم‌ترین اثر آن توزیعی است به نحوی که به نفع گروه‌های پردرآمد و به ضرر گروه‌های فقیر و کم‌درآمد و حقوق‌بگیر است. به عبارت دیگر تورم به افراد دارای درآمدهای پولی ثابت، ضرر می‌زند و از قدرت خرید آنان می‌کاهد و در مقابل، به نفع اغلب کسانی تمام می‌شود که درآمدهای پولی متغیر دارند. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس تصریح می‌کند: تورم همچنین هزینه‌های عمومی دولت را افزایش داده و در نتیجه دولت را مجبور به کسب درآمد بیش‌تر یا استقراض از بانک مرکزی می‌کند که در هر دو حالت ضربات جبران‌ناپذیری را به اقتصاد کشور وارد می‌کند. این گزارش در ادامه به طرح راهکارهای مبارزه با تورم پرداخته و تأکید می‌کند که حل معضل تورم در کشور کار خیلی پیچیده‌ای نیست و کافی است ریشه‌های تورم، که قابل شناسایی نیز هستند، به گونه‌ای از میان برداشته شوند.

آثار سیاسی و اجتماعی تورم

علاوه بر آثار اقتصادی، تورم بر ساختار اقتصاد و متغیرهای کلان اقتصادی تأثیرگذار است. تورم، در عصر حاضر، ابعاد اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای پیدا کرده‌است. دلیل این مسئله، ارتباط تنگاتنگ تورم با زندگی افراد جامعه‌است. علاوه بر آن، ثبات سیاسی و اقتصادی یک کشور از طریق شاخص‌های متفاوتی سنجیده می‌شود که تورم از جمله آنهاست. شعار بسیاری از نامزدهای ریاست جمهوری در کشورهای در حال توسعه، کنترل و پایین آوردن روند رشد قیمت‌هاست. از این‌رو، تورم را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین، مهم‌ترین و حساس‌ترین مقولات اقتصادی و اجتماعی عصر حاضر دانست و بررسی و تحلیل آن، می‌تواند نقش بسزایی در تحلیل و تبیین مسائل اقتصادی داشته باشد.

تورم از دیدگاه عرضه

تولیدات داخلی: با اجرای سیاست‌های کنترلی در سال ۱۳۷۴ و برقراری ثبات نسبی در بازار، اقتصاد کشور با افزایش تولید ناخالصی داخلی و زیر بخش‌های آن (صنعت و معدن، کشاورزی، نفت و خدمات) مواجه گردید.

طی سال‌های ۷۸-۱۳۷۶ تولید تحت تأثیر کاهش شدید درآمدهای ارزی کاهش یافت. در طی سال‌های ۸۲-۱۳۷۹ تولید از رشد قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر افزایش درآمدهای ارزی قرار گرفت (کتاب: اقتصاد ایران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۰). این امر افزایش عرضه و دنبال داشته‌است.

واردات: وابستگی به مواد و قطعات منفصله وارداتی از نارسائیهای مربوط به عرضه در بخش صنعت و معدن بوده است، لذا بر این اساس تراز ارزی بخش صنعت و معدن منفی بوده و متکی به ارزش حاصل از فروش نفت می باشد، این نارسایی بخش صنعت و معدن را شدیداً در برابر نوسانات قیمت و فروش نفت آسیب پذیر می کند.

وجود ظرفیت خالی در بخش تولید، باعث افزایش هزینه های سربار شده و در نتیجه افزایش هزینه تمام شده تولیدات صنعتی و معدنی می گردد. ضعف های ساختاری که منجر به محدودیت عرضه در بخش تولید می گردد بقرار زیر است:

پایین بودن سهم سرمایه گذاری بخش خصوصی

ناچیز بودن سرمایه گذاری خارجی

پایین بودن سهم صادرات در کل صادرات کشور

بالا بودن قیمت محصولات صنعت

بیکاری

بیکار در اقتصاد به فردی گفته می شود که در سن کار (۱۵ تا ۶۵ سال) و جویای کار باشد اما شغل یا منبع درآمدی پیدا نکند. کودکان و افراد مسن از آن جهت که قادر به انجام کار نیستند، جزو جمعیت فعال به حساب نمی آیند. زنان خانه دار و دانشجویان اگر جویای کار نباشند، و حتی کسانی که با وجود منبع درآمد کافی مشغول به انجام کاری نیستند نیز، جزو جمعیت فعال شمرده نمی شوند.

جمعیت بیکار به تعداد افراد بیکار گفته می شود. بیکار از منظر مرکز آمار ایران، فردی بالای ۱۰ سال است که در هفته قبل از آمارگیری فاقد کار باشد، و در آن هفته یا بعد از آن آماده کار باشد و در آن هفته و سه هفته قبل از آن در جستجوی کار باشد. همچنین افرادی که به دلیل آغاز به کار در هفته آینده یا انتظار بازگشت به شغل قبلی جویای کار نیستند، بیکار محسوب می شوند.

نرخ مشارکت

جمعیت بیکار به علاوه شاغل تقسیم بر افراد در سن کار را نرخ مشارکت می نامند. [۲]

آثار بیکاری

۹۰ / ۵۷ ی برای کسانی که به داشتن شغل ثابت و مطمئن عادت کرده اند، می تواند بسیار باشد. مستقیم ترین نتیجه بیکاری، از دست دادن درآمد است. فشار اقتصادی برای کسانی که

فاقد کارند بسیار زیاد است. از جمله عوامل شناسایی شده مؤثر بر افزایش نرخ جرم و جنایت و فقر، می‌توان به بیکاری اشاره کرد

انواع بیکاری

نرخ بیکاری جهان در سال ۲۰۰۶ میلادی، ارائه شده توسط CIA
 بیکاری اصطکاکی در مدت زمان بین دو اشتغال در هنگام تغییر شغل
 بیکاری فصلی: زمانی که تقاضا برای کاری در فصل مشخصی وجود نداشته باشد؛ مثلاً برخی
 آموزگاران که در تابستان نمی‌توانند تدریس کنند یا کشاورزان و کارگران ساختمانی
 بیکاری پنهان: وقتی است که شخص به کاری مشغول است و منبع درآمدی دارد اما کار او در اقتصاد
 کشور اثر مثبت ندارد.

بیکاری ادواری: زمانی رخ می‌دهد که رکود گریبان اقتصاد را گرفته باشد که در این حالت باید با
 استفاده از سیاست‌های کلان اقتصاد این تورم را کنترل کرد.

بیکاری ساختاری: بیکاری که به علت ساختارهای اقتصادی رخ می‌دهد، گاهی بیکاری فصلی را در
 این دسته قرار می‌دهند.

در واقع به علت عدم تطابق بین مهارت‌های شغلی و مورد نیاز تولید کنندگان ایجاد می‌شود.

علل بیکاری

دلیل بیکاری، به‌طور موقت تن به پذیرش مشاغلی بدهد که این فرد از نظر تحصیل یا میزان مهارتی که
 دارد برای آن شغل، در وضعیت مهارت یا تحصیل بیش از میزان لازم (بیش از حد ماهر) قرار داشته باشد که
 این پدیده یک علامت منفی برای یافتن یک شغل مناسب در بازار کار دانسته می‌شوند، در نتیجه اگر
 داوطلب به دست آوردن یک فرصت شغلی، در گذشته بنا به دلایلی تن به مشاغل نامناسب از نظر
 تحصیلی اش داده باشد، احتمال اینکه در آینده بتواند از کامیابی بالایی در بازار کار برخوردار شود، ضعیف
 است. [۲]

مدرک گرایی و بیکاری

[۳]. یکی از ابعاد افزایش معضل بیکاری در برخی از کشورها می‌باشد مدرک گرایی